



بازخوانش مفاهیم جغرافیایی سیاسی در جام جهانی فوتبال

(۲۰۲۲-۱۹۳۰)

کاظم ذوقی بارانی (استادیار جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران،

ایران. نویسنده مسئول)

zoghi@modares.ac.ir

سیروس احمدی نوحدانی (استادیار جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک، دانشگاه تربیت مدرس، تهران،

ایران)

sahmadi@modares.ac.ir

ریحانه صالح آبادی (دانش‌آموخته دکترای جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک، دانشگاه تربیت مدرس،

تهران، ایران)

reyhane.salehabadi@gmail.com

چکیده

مسابقات جام جهانی فوتبال یکی از مهم‌ترین رویدادهای ورزشی است که دارای ابعاد فراوانی می‌باشد و در بعد سیاسی محل کنش و واکنش‌های میان قدرت‌ها، کشورها، مکاتب و بازیگران سیاسی در ابعاد ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی است. لذا لازم است از منظر جغرافیای سیاسی به آن پرداخت و ابعاد مؤثر این مسابقات در دو بخش فضا و سیاست را مورد بررسی و تحلیل قرارداد. در این پژوهش که از نظر هدف بنیادی نظری است بیش از ۱۰۰ مورد از موارد همپوشانی مفاهیم جغرافیای سیاسی و جام جهانی فوتبال بین سال‌های ۱۹۳۰ تا ۲۰۲۲ از بین اسناد و مدارک علمی معتبر و اخبار کشف و شناسایی شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد زمانی که یک تیم فوتبال موفق به راه‌یابی، پیروزی و یا شکست در مسابقات می‌شود، بازیگران سیاسی از این امر در جهت افزایش قدرت، پیروزی در انتخابات، برانگیختن احساسات ملت و افزایش همبستگی داخلی و ایجاد نیروهای همگرا و اگر بهره می‌برند در واقع مفاهیم قدرت، رقابت، فضای جغرافیایی، جنگ، صلح، احساسات میهن‌دوستی، هویت،

نیروهای واگرا و همگرا، تنش و انزوای ژئوپلیتیکی بین مسابقات جام جهانی فوتبال و دانش جغرافیای سیاسی همپوشانی دارند.

واژگان کلیدی: جام جهانی فوتبال، ژئوپلیتیک ورزش، جغرافیای سیاسی.

مقدمه

ورزش با سازمان‌دهی گروه‌های ورزشی، و شکل‌دهی به انواع روابط فردی و اجتماعی، بخش جدانشدنی از جامعه شده است. در ورزش، تفاوت انسان‌ها کیفی است و ارزش آن‌ها با درجه درگیری هر بازیگر به‌عنوان بخشی از جامعه حاصل می‌شود. آثار فضایی انجام فعالیت‌های ورزشی بسیار متنوع است، از جمله در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی فرهنگی یا سیاسی و نیز در سطوح محلی، ملی، منطقه‌ای یا بین‌المللی (ILIEŞ, 2014: 8). مطالعات تجزیه و تحلیل فضایی ورزش در بسیاری از موارد با تکمیل و تحکیم تلاش علمی با موضوعات و روش‌های خاص دیگر، دارای ویژگی چند رشته‌ای است. در برخی از رشته‌ها، به‌عنوان مثال جامعه‌شناسی، مدیریت، تاریخ، رسانه و مطالعات فرهنگی، روندهای قابل‌توجهی در زمینه تحقیقات ورزشی ایجاد شده است. باین‌حال، در برخی از فضاها موجود، علاقه به ورزش دارای محتوای سیاسی قابل‌توجهی است و این زمینه کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. علیرغم ویژگی‌های ذاتی جغرافیایی ورزش (به‌ویژه دغدغه‌های مربوط به زمان، مکان، جوامع، تحرکات و هویت‌ها) و باوجود پژوهشگرانی که به پدیده‌های مشابه ژئوپلیتیک، جامعه‌پذیری و سکونت، مهاجرت و نیروهای ساختاری و عقیدتی علاقه‌مند هستند، تعداد محدودی از مطالعات وجود دارد که به جغرافیای ورزشی و به‌ویژه فوتبال پرداخته است.

در این زمینه می‌توان از پیشینه پژوهش‌های ذیل در زمینه خلاصه داستان فیلیپ ال واگنر (۱۹۸۱) در مورد چگونگی یاری ورزش به فرهنگ، مکان و روابط اجتماعی، نگاه مارتین باری وینوکور (۱۹۸۸) به ورزش و سیاست و شرح چارلز فرولینگ اسپرینگ وود (۱۹۹۶) از مکان، شرح زمان و تخیل بیس بال اشاره نمود. این آثار علاوه بر مطالعات منتشر شده توسط جان بیل (۱۹۹۴)، ارتباطات مفهومی و عملی معناداری را بین جغرافیا و فضای ورزشی برقرار کردند. مطالعات رایتز (۱۹۹۵) در ارتباط با تمرکز بر رقابت‌های ورزشی و چگونگی تأثیر آن بر

مشارکت مردمی، سهم قابل توجهی در مطالعات قبلی در مورد ورزش و جغرافیا را به خود اختصاص داده بود. نقش مکان و زمان در تجزیه و تحلیل جغرافیایی ورزش با ویژگی‌های جغرافیایی تعیین می‌شود. توزیع فضایی و توالیهای زمانی یک پدیده و نشان دادن یک طرح سرزمینی با توجه به ویژگی‌های عنصر مورد تجزیه و تحلیل، نمایانگر ردپای یک تلاش علمی جغرافیایی کلاسیک و کامل است.

بنابراین، از طریق تجزیه و تحلیل جغرافیایی، جنبه‌های کمی و کیفی مفاهیم مؤلفه سیستم، از کمترین یا غالب‌ترین موارد، منعکس می‌شود که همگی با ترسیم طرح منطقه‌ای جغرافیایی تحت شکل هدف، منطقه یا ناحیه مورد تأکید قرار می‌گیرند که به نوبه خود، منطقه بندی جغرافیایی را منعکس می‌کند، این منطقه بندی شامل زمان جغرافیایی است که از طریق ویژگی‌هایی مانند: جانیشینی، انعطاف پذیری و برگشت ناپذیری منعکس می‌شود. با توجه به ماهیت ذاتی ورزش و به ویژه فوتبال که با کشور و فضا در ارتباط می‌باشد جای دارد تا در بحث جغرافیای سیاسی گنجانیده و مورد بررسی و بازخوانش قرار گیرد. جام جهانی یکی از مهم‌ترین رویدادهای ورزشی فوتبال می‌باشد که با توجه به طرفداران بسیار زیاد آن، نوعی از ورزش با تأثیرگذاری بالا بر فضا و مردم می‌باشد. جام جهانی فوتبال از بزرگ‌ترین رویدادهای ورزشی جهان است که هر چهار سال یکبار در یکی از کشورهای جهان برگزار می‌شود. علاوه بر این، مسابقات بین‌المللی دیگری مانند بازی‌های المپیک تابستانی، جام کنفدراسیون‌ها، جام باشگاه‌های جهان، جام ملت‌های اروپا و لیگ قهرمانان اروپا، لیگ‌های متعددی از جمله لا لیگا و لیگ برتر انگلستان در کشورهای گوناگون برای فوتبال وجود دارد. فوتبال بانوان نیز از اواخر سده نوزدهم میلادی به راه افتاد. هرچند که فوتبال بانوان در سده بیستم میلادی و امروزه به محبوبیت‌های بسیاری دست پیدا کرده است، اما همیشه زیر سایه فوتبال مردان بوده است. از نیمه دوم قرن بیستم ورزش مدرن به عنوان پدیده‌ای جهانی به گونه‌ای مستقیم با منافع نهادهای جهان گرا پیوند یافته است به گونه‌ای که هم‌اکنون بازی‌های المپیک و جام جهانی با نهادهای سیاسی و اتحادیه‌های بین‌المللی ارتباط تنگاتنگی دارند (Ahmadipour et al., 2012: 9). با توجه به تعریف جغرافیای سیاسی در راستای تأثیرگذاری سیاست بر فضا، در این

پژوهش به بازخوانش مفاهیم جغرافیای سیاسی در ورزش و تأثیرات سیاست بر جام جهانی و مفاهیم مؤثر بر آن پرداخته می‌شود.

مبانی نظری پژوهش

مفهوم جغرافیای سیاسی

رسالت اصلی علوم جغرافیایی توصیف، تحلیل پراکندگی، کشف الگو و آرایش فضایی پدیده‌ها و اشکال جغرافیایی در ارتباط با فرایندهای مؤثر در سازمان‌یابی آن‌ها در گستره محیط طبیعی است و قلمروهای زیستگاهی انسانی، سازمان فضایی حاصل عملکرد سازمان اجتماعی مد نظر است. این سازمان حاصل تعامل فرایندها و نیروهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که تحت رهبری و کنترل نیروهای سیاسی و نهادی در طی زمان و در ارتباط با نهادهای محیط طبیعی ایجاد و متحول می‌شود (Shekoui, 1999:118). از علم جغرافیای سیاسی تعریف‌ها و برداشت‌های مختلفی وجود دارد. درک جغرافیای سیاسی مستلزم درک کنش متقابل جغرافیا (فضا) و سیاست (قدرت) یا تعامل بن‌مایه‌های جغرافیایی مانند فضا، مکان و قلمرو با امور مربوط به سیاست، قدرت و سیاست‌گذاری است. جغرافیای سیاسی اثر تصمیم‌گیریهای سیاسی انسان را روی چهره و اشکال جغرافیایی مربوط به محیط انسانی هم چون حکومت، مرز، مهاجرت، ارتباطات، توزیع، نقل و انتقال و غیره مطالعه می‌کند (Mojtahed, 2002: 62). در واقع جغرافیای سیاسی با رابطه متقابل جغرافیا و سیاست سروکار دارد (Mirheydar, 2002: 5). به بیانی دیگر، جغرافیای سیاسی پدیده‌های سیاسی را در فضای درونی یک کشور مورد بحث قرار می‌دهد که به طور سنتی شامل مفاهیمی مانند مرز، ملت، حکومت و سرزمین است (Hafeznia, 2002: 42). جغرافیای سیاسی به مطالعه نتایج ناهمگن فضایی فرآیندهای سیاسی و روش‌های تأثیرپذیری فرایندهای سیاسی از ساختارهای فضایی مربوط می‌شود. به طور معمول، برای اهداف تجزیه و تحلیل، جغرافیای سیاسی با مطالعه دولت در مرکز، مطالعه روابط بین‌الملل (یا ژئوپلیتیک) و مطالعه مکان‌های یک ساختار سه‌مقیاسی را اتخاذ می‌کند (Okunev, 2021: 8).

ژئوپلیتیک ورزش

جغرافی دانان مهم ورزشی در مورد تأثیرات اجتماعی و چگونگی کمک ورزش به مفهوم مکان و مناطق مختلف نظریاتی را ارائه نموده‌اند. نحوه درک ورزش و رویکردهای تفریحی در مکان‌های مختلف با تغییر شکل مداوم فضا و نگرش نسبت به ورزش همسو است. برخلاف دانشمندانی که در رشته‌های مشابه و با هم تداخل دارند (به‌عنوان مثال جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی یا مطالعات فرهنگی)، جغرافی دانان به دنبال درک بهتر اهمیت یک تیم ورزشی در رابطه با فرهنگ و هویت سیاسی یک مکان هستند (Shobe, 2008)، مسائل مربوط به شمول و حذف (Wise, 2011, Spaaij et al, 2014) یا به دلیل مهاجرت مردم به کشورهای خاص (Smith, 2017 & Waite) اشاره کند. در سطح بنیادی جغرافی دانان علاقه‌مند به ورزش به دنبال کشف آگاهی فضایی، تاریخ‌های مورد بحث، مهاجرت و تحرک و پیچیدگی‌های مکان پردازند (Collison, 2017, Cook, 2017, Andrews, 2017) و مباحث مربوط به مقیاس و تعیین قدرت موجود در رابطه با حاکمیت ورزشی (Wise, & Harris, 2018, Chatzigianni, 2011, Wise, 2011) قابل توجه است. از نظر جغرافیایی ورزش نیز در طیف وسیعی از دیگر بررسی‌های زمینه‌ای ظاهر شده است. به‌عنوان مثال، علاقه به روابط قدرت، پس از استعمار، ارتباطات و روند (Liston, 2016, Kohe, 2014)، توسعه ورزش (Collison, 2017) و دیپلماسی ورزشی (Grix, 2016 & Postlethwaite, Pamment, 2016). افزایش رقابت و گسترش اقتصاد جهانی و فشارها برای انطباق با انتقال و تحولات جدید، جغرافیدانان را به چالش میکشد تا تأثیرات ورزش را، هم به صورت محلی و هم در سطح جهانی، تجدید نظر کنند این باعث تغییر و به چالش کشیدن تفکر ما درباره تحول فضایی و معنای مکان می‌شود. یک روش غالب در ساخت و تحریک روایت‌های فضایی و مکانی ورزش از طریق رسانه‌ها و فرایندهای رسانه‌ای است (Rowe, 2017, Shears, 2014, Bailey, 2016) به‌عنوان مثال ورزش به طور فزاینده‌ای از طریق رسانه‌ها پخش می‌شود و دانش ما از مکان‌ها از طریق روزنامه‌ها، تلویزیون، فیلم، عکس و اخیراً رسانه‌های اجتماعی به ما منتقل می‌شود. ملتها، مناطق و شهرها مکان‌هایی هستند که از طریق مفاهیم مختلف فرهنگی، موقعیت‌های سیاسی یا پایگاه‌های اقتصادی تصور می‌شوند. بنابراین، ورزش به گسترش داستانهای مکانی تبدیل شده است که غالباً

چگونگی شناخت و ارتباط مردم با مکان‌ها را برآورده می‌کند. از این نظر، ورزش مترادف با مکان‌ها و هویت‌هایی است که افراد را به هم پیوند می‌دهد. در اینجا، دوباره مفهوم تصورات جغرافیایی مهم است؛ از نظر وایز و هریس (۲۰۱۰، ۲۰۱۷) و هیلتون و لارنس (۲۰۱۵) چگونگی خواندن، معاشرت، چالش و رقابت معانی مکانها و افراد (یا تیمها) به ایجاد یا تقویت سیاست و عوامل جغرافیای کمک می‌کنند.

از سوی دیگر ورزش بر جامعه تأثیر می‌گذارد، به‌ویژه که قدرت اتحاد و تفرقه را دارند دارد. ورزش فقط فرهنگ و اقتصاد را نشان نمی‌دهد. همچنین قدرت و سیاست را امکان‌پذیر می‌کنند که در غالب ژئوپلیتیک ورزش مطرح می‌گردد. گرچه به ظاهر ورزش غیرسیاسی است، اما رویدادهای بزرگ ورزشی به نوعی گروگان آرزوهای سیاسی شده‌اند آن‌ها همیشه نگرش‌های ژئوپلیتیکی کشور میزبان را نمایش می‌دهند. به‌عنوان مثال بازی‌های المپیک و استفاده از ژئوپلیتیک بیشتر به اواسط قرن بیستم نسبت داده می‌شود، زمانی که این بازی‌ها برای اولین بار توسط رژیم‌های مختلف در تلاش برای اثبات برتری خود نسبت به دیگران مورد استفاده قرار گرفت (به‌ویژه در سال ۱۹۳۶ برلینو بعداً در طول جنگ سرد، زمانی که این بازی‌ها به‌عنوان میدان‌های جنگ برای درگیرهای مداوم بین غرب و شرق عمل می‌کردند. منطقه‌ای ژئوپلیتیکی از اشکال مختلف، از نمایش مهارت‌های فنی و شمارش مدالها، برنامه‌های دوپینگ و تحریم‌های تناسبی، برای نمایش کشور میزبان، سیستم، سرزمین و مردم آن به‌عنوان منحصر به فرد و عالی اجرا شد. گویا این اهداف با پایان درگیری شرق و غرب در دهه ۱۹۸۰ اهمیت خود را برای میزبان از دست دادند. از نظر هولگر پریوس، معتقد است که جام جهانی به سختی بعنوان ابزاری سیاسی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. از طرف دیگر امانوئل والرشتاین دریافت که ژئوپلیتیک هرگز در این بازیها غایب نبوده است (Wallerstein, 2009: 5). نگارندگان این مقاله با نظر والرشتاین موافق هستند. زیرا بر این باوریم که آرزوهای ژئوپلیتیک هنگام بررسی میزبانی کشورهای جام جهانی فوتبال هنوز مشهود و از اهمیت ویژه برخوردار است. اگرچه این اهداف تا حدی برای همه میزبان‌ها مشخص است، اما به نظر می‌رسد برای کشورهای در حال ظهور اهمیت بیشتری دارند (قطر، آفرقای جنوبی). ما استدلال می‌کنیم که

انگیزه‌های ژئوپلیتیک، کشورهای نوظهور را ترغیب کند تا بیش از کشورهای پیشرفته به میزبانی رویدادهای بزرگ علاقه‌مند شوند.

روش تحقیق

در این تحقیق با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و با بکارگیری روش تحلیل محتوی به یافتن و تبیین مفاهیم جغرافیای سیاسی در بازی‌های جام جهانی فوتبال پرداخته است. برنارد برلسون تحلیل محتوی را روشی برای مطالعه عینی، کمی سیستماتیک محتوای آشکار پیام جهت رسیدن به تفسیر تعریف کرده است. همچنین فردان کراینجر این روش را تحلیل ارتباطات با شیوه نظام دار، عینی و کمی می‌داند. در این رابطه باید یاد آور شد جغرافیای سیاسی دانشی برای مطالعه مفاهیم سیاسی از طریق متغیرهای جغرافیایی اطلاق می‌شود. این امر بر قدرت سیاسی در ارتباط با فضای جغرافیایی متمرکز است. بنابراین در این تحقیق به دنبال پاسخگویی به سؤالاتی بدین شرح هستیم. آیا در جام جهانی فوتبال رابطه قوی بین فضای جغرافیایی مسابقات و سیاست در ابعاد ملی تا جهانی وجود دارد؟ و اینکه همپوشانی مفاهیم جام جهانی فوتبال در جغرافیای سیاسی به چه صورت است و چگونه تبیین شده‌اند؟ همانگونه که گفته شد به منظور پاسخ به این سوال از روش فرا تحلیل به صورت کیفی و با تاکید بر ارتباط و جهت‌سنجی واژگان جام جهانی و همسو سازی آن‌ها با مفاهیم مطرح در حوزه جغرافیای سیاسی با انجام مصاحبه‌های ساختار یافته با متخصصان جغرافیای سیاسی و نیز بررسی گزارشات مرتبط بوده است.

یافته‌های تحقیق

رابطه بین ورزش، جغرافیا و سیاست به وضوح قابل مشاهده و بررسی است. در این بین ویژگی‌های فوتبال در فرآیند تعریف ژئوپلیتیک خود بسیار قابل مقایسه با معنای دقیق آن است و حتی به نظر می‌رسد که بتواند مورد دوم را در روند تعریف دارئی‌های بین‌المللی فعلی پیش‌بینی کند. این بدان دلیل است که جام جهانی همیشه یکی از بزرگ‌ترین بیانگر ارتباط بین ورزش، سیاست و جامعه مدنی مرجع است. به‌عنوان مثال ویلیام بیل شنکل، فوتبالیست سابق

اسکاتلندی و مدیر افسانه‌ای لیورپول بین سال‌های ۱۹۵۹ و ۱۹۷۴ بیان کرده است: «برخی معتقدند که فوتبال مسئله مرگ و زندگی است، من از این نگرش بسیار ناامید هستم. می‌توانم به شما اطمینان دهم که موضوع بسیار مهم‌تر از آن است. در واقع ورزش را می‌توان بازتابی از پویایی اجتماعی و زمینه سیاسی خاص سیاسی در نظر گرفت». به‌عنوان مثال فوتبال، محبوب‌ترین ورزش در جهان متولد یک زمینه خاص است که مربوط به دموکراتیزه‌سازی مداوم انگلستان صنعتی است و این ورزش، پویایی و ویژگی‌های برجسته آن را نشان می‌دهد. متعاقباً، صادرات آن در سرتاسر غرب باعث شد این یکی از پایدارترین محصولات باشد. پدیده‌های جهانی به لطف ماهیت دوگانه آن به‌عنوان منبع تجمع توده‌ها و ابزاری سیاسی و اقتصادی با استفاده از آن قدرت خود را در جامعه تأمین می‌کند. از زمان نهادینه‌شدن آن با ایجاد فیفا، فوتبال با کسب قوانینی خارج از دادگاه، لازم برای قانونی‌شدن در سطح بین‌المللی به‌عنوان یک نهاد سیاسی مناسب، یک ساختار سازمانی، دولت خاص خود و یک سیستم حقوقی، سازماندهی شد. و اینگونه است که فوتبال با در نظر گرفتن ویژگی‌هایی که در یک سیستم جغرافیایی سیاسی بسیار خاص وجود دارد، به‌عنوان سازمان کنفدراسیون‌های قاره، که قدرت گسترش گسترده قدرت فیفا و هر یک از آن‌ها با یک وزن سیاسی متفاوت و یک نقش متفاوت را دارد، به سیاست تبدیل می‌شود (al., 2016 Marinău et). سیستمی جغرافیایی که برای همه تأثیرات پیش‌بینی تعادل سیاسی آینده در جهان در نظر گرفته شود. بازتاب فوتبال در ژئوپلیتیک و جغرافیای سیاسی یک راه پیچ و خم است، این به معنای ورود به یک سیستم موازی پیچیده است، زیرا تعداد زیادی از آن‌ها در تماس با یکدیگر هستند و مفاهیم مشترک بین دو جهان را در بر دارند. در این بخش از مقاله به بررسی این مفاهیم و بازخوانش آن‌ها از منظر جغرافیایی سیاسی پرداخته شده است:

خوانش مفاهیم جغرافیای سیاسی در جام جهانی فوتبال

روابط بین کشورها و جام جهانی: بازی فوتبال نبرد ۲۲ نفر در زمین و هزاران نفر در بیرون زمین است. مبارزات میان بازیکنان در زمین فوتبال، تماشاچیان در استادیوم‌ها و بیرون آنجا، بازیگران سیاسی در حین و بعد بازی‌ها را می‌توان نمونه‌هایی از گستره نبرد به‌واسطه فوتبال در

مسابقات جام جهانی دانست. به عنوان نمونه پیروزی کرواسی بر آلمان در جام جهانی ۱۹۸۰ نشان از شادی مردم کرواسی پس از استقلال بود و یا پرتاب آب دهان «راهکار» به فولر «در جام جهانی ۱۹۹۰ برای مردم هلند نماد نفرت از سابقه اشغال کشورشان توسط آلمان بود». در مسابقات پلی اف جام جهانی ۱۹۷۴ شوروی می‌بایست در خاک کشور شیلی با تیم ملی آن کشور بازی می‌کرد ولی مقامات کشور شوروی و حزب کمونیست به نشانه اعتراض به کودتای پینوشه که وابسته به بلوک غرب بود در این بازی شرکت نکردند و فیفا آن بازی را ۰-۳ اعلام نمود ولی بازیکنان تیم ملی شیلی در زمان مسابقه در زمین حاضر و به سمت زمین خالی شوروی حمله می‌کردند. هم‌زمانی منازعات کشورها با مسابقات جام جهانی فوتبال را می‌توان به خوبی در حملات اسرائیل به غزه در زمان جام جهانی سال ۲۰۰۶ مشاهده نمود که از این جام به عنوان «جام جنگ» یاد می‌شود.

رفتار بازیگران سیاسی و جام جهانی: سال‌هاست که «فیفا» تلاش می‌کند تا با وضع قوانینی سیاست را از فوتبال جدا کند. یکی از قانون‌های خوبی که اجرای آن برای اعضای فیفا اجباری است، عدم دخالت دولت‌ها در فدراسیون فوتبال هر کشور است؛ اما با وجود این چارچوب مشخص بازهم مشاهده می‌شود که حکومت‌ها بنا به مصالح و منافع سیاسی‌شان، مستقیم یا غیرمستقیم در امور مربوط به فوتبال دخالت می‌کنند و ترفندهای گوناگونی برای دور زدن قوانین فیفا بکار می‌گیرند؛ مانند تشکیل فدراسیون فوتبال با استفاده از سیاسیون ناشناس یا بازنشسته و یا افرادی که به مراکز قدرت متصل‌اند ولی در ظاهر از فوتبال هستند. رابطه بازیگران سیاسی کشورها در جام جهانی دارای ابعاد زیادی است. در یک بعد می‌توان از نقش بازیگران سیاسی کشورها در نتایج فوتبال یاد کرد. مثلاً تبانی در جام جهانی ۱۹۷۸ آرژانتین بین ژنرال خورفه» و «مورالس» رئیس‌جمهور پرو با خوردن ۶ گل مشکوک در جهت جبران از بین بردن مخالفان در پرو یاد می‌شود. با این باخت راه رسیدن آرژانتین به قهرمانی هموار شد (Bahrami, 2019) همچنین در جام جهانی ۱۹۸۲ در بازی کویت و فرانسه، ورود یکی از مقامات کشوری کویت به زمین بازی باعث مردود اعلام شدن گل شد. در بعد دیگر خود فوتبالیست‌ها با استفاده از محبوبیت و مقبولیتشان در راستای اهداف سیاسی موازی ملتشان

¹ FIFA

اقدام می‌کنند در این راستا می‌توان موارد زیر یادآور شد. استفاده از پیراهن و سربند با اشعار سیاسی توسط «سوکراتز» در بازی‌های فوتبال نشان از اعتراضات مردمی علیه حاکمیت وقت بود؛ و انتقادهای «هیلین توران» از سیاست‌های «سارکوزی»، رئیس‌جمهور فرانسه در زمان زمامداری او. در بعد سوم حضور بازیگران فوتبال در انتصابات سیاسی جزء این مقوله هست. مثل «رومندا برامویچ»، مالک باشگاه چلسی که قبلاً نماینده دومای روسیه و فرماندار بخش در آن کشور بوده است و همچنین مالک فعلی منچستر سیتی که نایب‌رئیس مجلس امارات متحده عربی است و اینکه «برلوسکونی» را بیشتر به‌عنوان مالک آسه میلان می‌شناسند تا نخست‌وزیر سابق ایتالیا انتخاب «روماریو» در برزیل به‌عنوان نماینده مجلس و «ژوژوا» را به‌عنوان رئیس‌جمهور لیبریا، «رومن پابلیو چنکو» در قالب نماینده دومای روسیه، «کاکاتافازه» به‌عنوان شهردار تغلیس را می‌توان نام برد همچنین «هاکان شوکور» به‌عنوان نماینده مجلس ترکیه. حضور بازیگران سیاسی در تمام کشورها در استادیوم‌ها جهت تماشای مسابقات ملی و دیدار با بازیکنان و مربیان قبل از اعزام به مسابقات توسط تمامی روسای کشورها، در کنار حضور مقامات سازمان‌های بین‌المللی همچون دبیر کل سازمان ملل (کوفی عنان) از دیگر ابعاد این موضوع هست و یا دیدارهای فیدل کاسترو با مارادونا و علاقه وی به آن را می‌توان نام برد. همچنین بازیگران سیاسی و احزاب و گروه‌های سیاسی فعال در کشورها از موفقیت‌های تیم کشورشان در راه‌یابی به جام جهانی و کسب پیروزی در این مسابقات در رقابت‌های انتخاباتی خود استفاده می‌نمایند به‌عنوان مثال راه‌یابی تیم ایران در جام جهانی ۲۰۱۸ از سوی رئیس‌جمهور ایران (حسن روحانی) با یادآوری پیروزی انتخابات در سال ۱۳۹۲ مقایسه شد. در این موضوع همچنین می‌توان از استقبال «موپیکا» از «سوارز» بعد از شکست اروگوئه از کلمبیا و اعتراضات وی از فیفا و حضور «مارادونا» در کنار رئیس‌جمهور آرژانتین و سخنرانی وی علیه بوش و نیز سخنرانی شهردار ریودوژانیرو در فینال ۱۹۵۰ در حمایت از تیم برزیل یاد کرد.

نقش فضا و مکان بر جام جهانی: کسب میزبانی جام جهانی موجب رونق اقتصادی و درنهایت تضمین آینده سیاسی حاکمیت و افزایش رضایت مردم از نظام حاکم بر آن کشور می‌شود که توانسته است بزرگ‌ترین رویداد فوتبال جهان را به کشور بیاورد. در اولین دوره این

مسابقات اروگوئه تلاش کرد با میزبانی و قهرمانی برای کشور گمنامش افتخار کسب نماید لذا هزینه‌های زیادی برای ساخت استادیوم و برگزاری مسابقات انجام داد. به‌عنوان مثال میزبانی جام جهانی سال ۱۹۹۴ در حالی به آمریکا داده شد که برزیل و مغرب شایستگی بیشتری برای میزبانی داشتند و یا تلاش‌های «باراک اوباما» برای دستیابی به میزبانی جام جهانی ۲۰۲۰ اشاره کرد. تعداد زیاد کشورهای متقاضی میزبانی جام جهانی فوتبال را می‌توان از بارزترین نمونه رقابت‌های سیاسی بین کشورها دانست. همچنین میزبانی جام جهانی نمایش ماهیت حاکمیت کشور میزبان می‌باشد نووالدیوا^۱ (۲۰۱۶) بیان می‌کند در جام جهانی ۲۰۱۸ طی چند هفته جهانیان کشور و رژیم پوتین را زیر نظر دارند. کشور قطر نیز تلاش دارد با برگزاری باشکوه این مسابقات در ۲۰۲۲ خود را به‌عنوان کشوری توانمند در عرصه بین‌المللی فارغ از فضای جغرافیایی کوچکش معرفی کند.

تنش در روابط سیاسی و جام جهانی: جام جهانی میدان نبرد کشورهاست و فوتبال راهی برای «مبارزه بدون خونریزی» است. این امر به تمایز و اهمیت بیشتر فوتبال و مسابقات جام جهانی منجر گردیده است. قهرمانی شوروی در جام ملت‌های ۱۹۶۰ اروپا و برد در برابر بریتانیا برای مردم و کشور شوروی به معنی پیروزی ایده‌ها و ایدئولوژی حاکم در خلال جنگ سرد بود. همچنین برد ۱-۰ آلمان شرقی بر آلمان غربی نیز در همین راستا تفسیر شد. فینال‌های متوالی ایتالیا و چکسلواکی و مجارستان نشان از نبرد قدرت نوظهور فاشیسم بود. مسابقه اروگوئه و آرژانتین در سال ۱۹۳۰ هم‌زمان با اختلافات دو کشور باعث شد هواداران آرژانتین در سفر به اروگوئه شعار پیروزی یا مرگ سر دهند. اهمیت دیدارهای انگلستان و آلمان برای هر دو کشور یا جنجال‌های داخل زمین بازی هلند و آلمان و یا رقابت‌های انگلستان و آرژانتین بعد از جنگ «فالکلند» همگی نشان از این اهمیت دارد. سلام فاشیستی تماشاچیان تیم ملی ایتالیا در جام جهانی ۱۹۳۴ و حضور موسولینی در ورزشگاه و تلاش‌های او برای قهرمانی تیم ملی ایتالیا در آن جام در حالی بود که با قهرمانی ایتالیا احساسات میهن‌پرستانه و همبستگی عمومی بین ایتالیایی‌ها به اوج خود رسیده بود. همچنین اعتراضات

^۱ Novaldivia

تماشاچیان فرانسوی به نوع احترامات فاشیستی تیم ایتالیا در جام جهانی ۱۹۳۸ از این نوع است.

ترتیب بازیکنان تیم آلمان در جام جهانی ۱۹۳۸ متشکل از ۷ بازیکن آلمانی و ۴ بازیکن اتریشی بود و این در حالی بود که آلمان توانسته بود اتریش را ضمیمه خاک خود کند. سرمربی تیم ملی ایتالیا، هم‌زمان با پیروزی موسولینی، همچون سربازان یگان‌های نظامی تمرینات سختی را برای بازیکنان تیم مهیا می‌کرد و بازیکنان می‌بایست قبل از بازی‌ها از یادمان کشته‌شدگان جنگ جهانی اول بازدید می‌کردند. اوج‌گیری احساسات ناسیونالیستش در تیم ملی ایتالیا در نهایت منجر به این شد که «گروهان ۱۱ نفر اوتسو در دو جام متوالی قهرمان شد» (Bahrami, 2019). در جام جهانی ۱۹۵۴ که مسابقات پس از جنگ جهانی برگزار می‌شد، فضای مسابقات نمایانگر تسویه‌حساب کشورها بود مثلاً تیم ملی انگلستان به یاد «تام کوپر»، آلمان به یاد «جولیوزهرژ» و قهرمان تیمی که کاپیتانش «فریز والتر» یک اسیر جنگی بود مبارزه می‌کردند و پیروزی آلمان نشان از پیروزی کشور در زمین فوتبال بود. پیروزی یک‌بر صفر شوروی در مقابل انگلستان در جام جهانی ۱۹۵۸ و پیروزی کره شمالی برابر ایتالیا در ۱۹۶۶ نشان از یک برد ورزشی ساده نبود. در واقع کشورهای پیروز این برتری را نشان از برتری ایدئولوژیک کمونیست در برابر لیبرالیسم تصور می‌کردند و از آن به پیروزی نظم آهنین شرقی مقابل سیستم خلاقانه غربی نام می‌بردند. مفهوم جنگ سرد جدید^۱ نیز در مسابقات جام جهانی فوتبال در جام ۲۰۱۸ نیز مطرح بود. در این جام، انتخاب استان کالینینگراد به‌عنوان یکی از شهرهای برگزاری مسابقات مورد توجه بود. این فضا همیشه مورد رقابت بوده است و نمادی از رقابت‌های دوران جنگ سرد می‌باشد.

جنگ، رقابت و جام جهانی: بک^۲ (۲۰۱۳) به نقل از جرج اورول فوتبال را «جنگ منهای تیراندازی» می‌نامد (Zargar, 2014: 8) بسیاری از اصطلاحات موجود در فوتبال برگرفته از اصطلاحات نظامی و جنگی است همانند (دفاع، خط دفاعی، آفساید، مهاجم، حمله، شکست، پیروزی و ...). به‌کارگیری این اصطلاحات در مباحث فوتبال باعث می‌شود، بازیکنان، مربیان،

¹ New Cold War

² Beck

تماشاچیان و حوزه‌های مرتبط با این ورزش از حیث روانی همانندسازی بیشتری میان فوتبال و جنگ داشته باشند: به‌عنوان مثال: سرمربی تیم ملی برزیل در جام جهانی ۱۹۷۰ مکزیک بیان کرده بود: «تیم من مأموریت دارد به روش گروهی با حمله به رژیم نازی بازی کند؛ یعنی تخریب هر آنچه بر سر راه است» (Taherinasab, 1999:33) و یا «یوهان کرایف» بازیکن تیم ملی هلند، فوتبال را نوعی جنگ می‌داند که هر بازیکن موظف است فقط به قصد پیروزی همانند یک سرباز بجنگد.

جدول شماره ۱: همپوشانی مفاهیم جنگ و جام جهانی فوتبال

حوزه فوتبال (جام جهانی)	حوزه جنگ
زمین فوتبال	صحنه نبرد
تیم ملی	نیروی نظامی
سوت داور	شیپور جنگ
سرمربی	رهبر (فرمانده)
بازیکن	سرباز (رزمنده)
هافبک	نیروی مدافع
مهاجم	نیروی خط مقدم
جام جهانی	جنگ جهانی
پیراهن تیم ملی	پرچم
پیروزی	پیروزی
تاکتیک تیم	استراتژی نبرد
مسابقه	نبرد
استراحت میان دونیمه	آتش‌بس موقت
خطوط زمین بازی (مثلاً خط ۱۸ قدم)	خطوط نبرد

Source: Authors, 2021

مفهوم جنگ در مسابقات جام جهانی به چند صورت نمایان است: در شکل اول: کشورها تلاش می‌کنند به‌گونه‌ای نیابتی و نمادین رقابت‌هایشان را در رقابت‌های فوتبال پیگیری نمایند. در این‌گونه به هر میزان که کشورها و دولت‌ها نسبت به هم دچار حساسیت بیشتری باشند، هیجانانگیز و احساسات بیشتری در زمین حکم‌فرما می‌شود. پیروزی در زمین فوتبال نماد پیروزی کشوری بر کشور دیگر است (al., 2012: 9 Ahmadipour et). موارد زیر را می‌توان در این دسته قرارداد:

۱. رقابت تیم ملی فوتبال آرژانتین و انگلستان در جام جهانی ۱۹۸۶ (آرژانتین) متأثر از جنگ فالکلند بود. چهار سال پس از این جنگ دو کشور در جام جهانی رو در روی هم قرار گرفتند. پیروزی آرژانتین بر انگلستان در آن سال به عنوان انتقام جنگ فالکلند یاد می‌شد.
 ۲. پیروزی تیم ملی فوتبال اسپانیا در جام جهانی ۲۰۱۰ بر هلند: یادآور جنگ‌های ۸۰ ساله این دو کشور بود (Ahmadipour et al., 2012).
 ۳. پیروزی انگلستان بر آلمان در جام جهانی به شکست آلمان در جنگ‌های جهانی یادآوری می‌شد و عنوان می‌کردند که ما هم پیروز دو جنگ هستیم.
 ۴. بازی خوشونت بار ایتالیا و شیلی در جام جهانی ۱۹۶۲ نمادی از جنگ و کنش‌های سیاسی نهفته در رسانه‌های این دو کشور بود.
 ۵. ممانعت «سرال فرانزیدر» در سال ۱۹۷۲ از تعویض پیراهن دو بازیکن آرژانتین و انگلستان باعث شد همه ساکنان آمریکای لاتین این حرکت را توهین به کشورهانشان بدانند و تا سال‌های بعد تیم انگلستان توسط هواداران آمریکایی لاتین هو می‌شد.
 ۶. خوشونت بازی بین هلند و پرتغال را باید در سابقه تاریخی دو کشور جستجو نمود.
 ۷. برخورد با مربی انگلستان «الرامزی» توسط رسانه‌های آرژانتین به علت توهین به این کشور در جام جهانی ۱۹۶۶.
 ۸. تبلیغات پیش از بازی شیلی و ایتالیا در جام جهانی ۱۹۶۲ باعث یک بازی خوشونت بار بین این دو تیم شد.
- شکل دوم: به «جنگ فوتبال» مشهور است. دو کشور مسابقات جام جهانی را بهانه و آغازگری برای درگیری نظامی دو کشور می‌دانند مثلاً در سال ۱۹۶۹ کشمکش‌های مرزی بین هندوراس و السالوادور در سال ۱۹۶۲ پس از ۱.۵ ماه از برگزاری بازی‌های مقدماتی جام جهانی و درگیری طرفداران دو تیم و کشته شدن «امیلیا بولانوس» تشیع پیکر او توسط بازیکنان تیم ملی فوتبال و رئیس‌جمهور السالوادور آغاز گردید. (et Ahmadipour, al., ۲۰۱۲: ۱۲) اثرات درگیری مرزی قبل از انجام مسابقه به نحوی بود که علی‌رغم باخت ۰-۳ السالوادور طرفداران این تیم خود را پیروز می‌دانستند چون توانسته بودند زنده از کشور همسایه خارجی شوند.

شکل سوم: کشورها مناقشات و درگیری‌های خود را در جهت دور ماندن از اذهان دیگر کشورها و ملت‌ها هم‌زمان با برگزاری این مسابقات پیگیری می‌نمایند که به این امر در اصطلاح «جام جنگ» می‌گویند برای نمونه می‌توان به حملات اسرائیل به غزه در زمان جام جهانی سال ۲۰۰۶ اشاره کرد.

مفهوم صلح و جام جهانی فوتبال: فوتبال ابزاری برای برقراری صلح در ابعاد ملی و بین‌المللی نیز هست و سیاست‌مداران و بازیکنان سعی در به‌کارگیری مسابقات، تماشاچیان و ... فوتبال در راستای کاهش تنش‌های سیاسی ملی و فراملی می‌کنند به‌کارگیری مسابقات فوتبال مخصوصاً جام جهانی را می‌توان ابزاری مؤثر و صلح‌آمیز در دیپلماسی عمومی یادکرد. به‌عنوان مثال: «دروگبا» تلاش کرد از محبوبیتش برای پایان جنگ داخلی در ساحل عاج استفاده کند؛ و با این شعار که «همه ما می‌توانیم باهم متحد باشیم و بازی کنیم پس سلاح‌های خود را روی زمین بگذارید» در کاهش تنش‌های داخلی در کشورش اقدام کرد (Bahrami, 2019). مثال دیگر بازی فوتبال سربازان آلمان و انگلستان در سال ۱۹۱۴ در نخستین ماه‌های جنگ جهانی اول می‌باشد که علی‌رغم اینکه دو کشور در حال جنگ بودند اقدام به برگزاری مسابقه دوستانه نمودند. همچنین دیدارهای دوستانه بین آلمان شرقی و غربی و یا ایالات متحده و کوبا باعث آرامش سیاسی حتی کوتاه‌مدت بین این کشورها شد.

هویت‌سازی، ملت‌سازی و جام جهانی: فوتبال در هویت‌سازی و ملت‌سازی در کشورهایی چون صربستان، ایرلند، آفریقای جنوبی، کارون، غنا، کلمبیا، اروگوئه، برزیل و بسیاری از کشورهای در حال توسعه کارکرد مهمی دارد. (Zargar, 2015: 12) موفقیت تیم‌های فوتبال در راه‌یابی به مسابقات جام جهانی و کسب امتیاز در این مسابقات می‌تواند نشان‌دهنده هویت و برتری کشورها قلمداد شود به‌عنوان مثال فوتبال و نتایج تیم‌های ملی کشورهای برزیل و آرژانتین در جام‌های جهانی نمادی از این دو کشور در سطح جهان قلمداد می‌شود. این موضوع با مفهوم «روح کلی» منتسکیو ارتباط دارد. همچنین خوشحالی مردم کشورهای فقیر از برد تیم‌های ضعیف و شادی باخت تیمی که رقیب کشورشان هست را می‌توان نام برد. مهاجرین نیز احساسات گمشده میهن دوستانه‌شان را در جام‌های جهانی در تیم‌های ملی کشورشان دنبال می‌کنند. همچنین به‌واسطه فوتبال کشور کوچک و کم‌جمعیت اروگوئه

توانست با دو بار قهرمانی در جام جهانی و میزبانی جام جهانی در جهت تقویت هویت ملی، تحکم و وحدت ملی و ملت‌سازی بهره بگیرد. در این راستا این کشور با ساخت بزرگ‌ترین استادیوم ورزشی آن‌هم از طریق انتشار اوراق عرضه و افزایش مالیات‌ها گام برداشت. پیاده‌سازی فرهنگ کشورها در بازی‌های جام جهانی نمونه دیگری از تأثیرات متقابل جام جهانی و هویت کشورها هست. در این بین بعضی از بازیکنان فرهنگ سرزمینشان را در زمین فوتبال عملی می‌کنند مثل لباس و رفتار مکزیکی «خوره کامپوست» و یا شباهت «روژه میلا» به مردم رنج‌کشیده آفریقا با «لیفیاشین» نمادی از طبقه کارگر شوروی، حضور «لئون داس» با پای برهنه به نماد از مردم فقیر و یا موفقیت «ژوس فانتر» فرانسوی در جام جهانی ۱۹۵۸ در کسب ۱۳ گل در ۶ بازی الگوهایی از پشتکار مردم فقیر یاد می‌شود. در کنار تیم ملی و بازیکنان مربی تیم به علت نقش خود در شکل و رهبری تیم و داشتن یک شخصیت کاریزماتیک از اهمیت زیادی برخوردار است. مریبان در برابر همه شهروندان و غرور و افتخار کشور مسئول هستند و این مسئولیت باعث شده حتی برخی از بهترین مریبان باشگاه‌ها همچون «فرکوسن»، «مورینیو»، «بین شنگلی» و «گوادیورلا» هیچ‌وقت مربی تیم ملی نشوند.

نوع دیگری از نیروهای هویت‌سازی فوتبال را می‌توان در اسطوره شدن بازیکنان فوتبال مشاهده نمود مثلاً «پله» در فینال ۱۹۵۸ با گل قهرمانی تیمش را قهرمانی کرد و در ۱۷ سالگی در جام جهانی ۱۹۷۰ توانسته بود ۳ بار برزیل را قهرمان جام جهانی کند و یا «لیفیاشین» دروازه‌بان شوروی، «گرمولر» در ۱۹۷۴ آلمان را قهرمان کرد. «مارادونا» پسر ناآرام آرژانتین، «زیدان» در جام جهانی ۱۹۹۸ «رونالدو»، «به بای چالتون»، «رومانیو»، «باجو»، «دیپوزو»، «مسی» و ... همچنین پشتکار «ریوالدو» در رسیدن به جام جهانی ۲۰۰۲ از محروم‌ترین زاغه‌های برزیل و نبوغ و توانایی‌های فردی «مسی» و نقش او در راه یابی آرژانتین به جام جهانی یا جدایی زیدان از فوتبال در آستانه قهرمانی فرانسه در این مقوله قرار دارد. در کنار این مطالب می‌توان یادآور شد که اکثر مطالب مربوط به روزنامه‌های ورزشی اخبار مربوط به فوتبال است و فوتبال یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های رسانه‌ها در تمام جهان و یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که تمام شهروندان یک کشور آن را پیگیری می‌نمایند. جام جهانی نمادی از فرهنگ و هویت کشورها است. فرهنگ شاد و رهای برزیلی‌ها، نظم و سخت‌کوشی ژاپنی‌ها و بازی باشگاهی و

منظم آلمان‌ها را می‌توان در مسابقات مخصوصاً جام جهانی به‌خوبی مشاهده نمود. از دیدگاه کشورها، این مسابقات معمولاً به‌عنوان فرصتی برای گسترش فرهنگ، زیرساخت‌ها و حاکمیت خود به جهان و همچنین تقویت تجارت محلی و گردشگری تلقی می‌شوند (Makin, 2019). همچنین انتخاب رنگ پیراهن تیم ملی در این مسابقات که باید برگرفته از رنگ پرچم کشورشان باشد نمونه‌ای دیگر از هویت‌سازی در مسابقات جام جهانی هست (Bahrami, 2019). از طرفی با آسان شدن سفرها برای تماشاچیان از جام جهانی ۱۹۷۰ به بعد، تعداد زیادی از تماشاچیان جام جهانی متعلق به کشور میزبان نبوده و این امر ضمن توسعه صنعت توریسم و اشتغال در کشور میزبان و کشورهایی که در مسیر مسافرت انتخاب می‌شدند باعث گردید مؤلفه تماشاچیان نیز جزو یکی دیگر از مؤلفه‌های قدرت و رقابت در این مسابقات مورد توجه قرار گیرد. به‌کارگیری لباس‌ها و نمادها از سوی تماشاچیان فرصتی برای گفتگوی فرهنگ‌ها، زبان‌ها، تمدن‌ها و مذاهب‌ها است.

عملکرد تماشاچیان در مسابقات جام جهانی شبیه‌ترین رفتار به فرهنگ ملی کشورها است مثلاً تماشاچیان ژاپنی و کره‌ای منظم، خستگی‌ناپذیر و هماهنگ و برزیلی‌ها پرشور و هیجانی تشویق می‌کنند، انگلیسی‌ها دچار نوعی خشونت‌اند که کشور میزبان را با چالش مواجهه می‌کنند. شناسایی کشور کوچک ایسلند با تشویق عجیب هوادارانش در سطح جهان و یا «موج مکزیک» ابداعی در جام جهانی ۱۹۸۶ همه نشان از قدرت اثربخشی تماشاچیان مسابقات جام جهانی است. افزایش ۲۵ درصدی گردشگری در آفریقای جنوبی بعد از میزبانی جام جهانی نیز در این راستاست. تماشاچیان یار دوازدهم تیم ملی خود می‌باشند و در استادیوم مسابقات تشکیل یک فضای رقابتی با نماد و پرچم آن کشور را می‌دهند. آن‌ها با شعارهای یکسان، هویت جمعی واحدی را در خلال بازی شکل می‌دهند که اثرات آن تا بیرون از استادیوم و بعد از پایان مسابقات نیز ادامه دارد. آن‌ها به دور از تبعیضات قومی، زبانی و فرهنگی تحقق یک هدف را برای کشورشان دنبال می‌کنند. از این‌رو نباید حضور میلیون‌ها تماشاچی را در این مسابقات فقط از بعد سرگرمی موردبررسی قرارداد بلکه آن‌ها را باید یکی از اثرگذارترین ابعاد قدرت ملی کشورها در خلال برگزاری این مسابقات بررسی نمود.

قدرت نرم، همگرایی و جام جهانی: فوتبال توانایی تشکیل هویت جمعی را در ابعاد محلی، ملی و فراملی، بین‌المللی را دارد. جام جهانی عامل وحدت ملی است و همه اختلافات مذهبی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را در ابعاد محلی تا بین‌المللی تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. به گفته پیتز کلاک^۱ (۱۹۹۷) دولت‌ها از طریق مسابقات ورزشی مخصوصاً جام جهانی فوتبال تلاش می‌کردند از ظرفیت‌های آن در جهت ایجاد وحدت ملی استفاده کنند (Zargar, 2015: 10) تأثیر مثبت فوتبال در برزیل در دهه ۷۰ و ۸۰ بر روی غرور ملی از طریق پیروزی در مسابقات علی‌رغم مشکلات اقتصادی زیاد و بدهی‌های فراوان آن کشور و همچنین مقابله با تهدیدات آرژانتین در دهه ۷۰ و ۸۰ با احیای غرور ملی توسط تیم ملی برزیل را می‌توان از این نوع دانست (Nasiri, 2014: 10-13). مطالعه «لور» نشان می‌دهد که چگونه فوتبال در برزیل به یک جمعیت متنوع، عامل مشترکی تحت عنوان همبستگی ملی می‌دهد (همان). همچنین همبستگی ایرلند شمالی و جنوبی در تیم ملی ایرلند، جدایی‌طلبان باسک و کاتالان‌های اسپانیا و حمایت مردم حاشیه‌نشین سائوپوللو و ثروتمندان ریودوژانیرو در تیم برزیل را می‌توان از نیروهای همگرا در فوتبال مخصوصاً مسابقات جام جهانی دانست.

اعزام یک تیم مشترک در سال ۱۹۹۰ توسط آلمان شرقی و غربی نمونه‌ای دیگر از نیروی همگرایی این ورزش است. اثر برتری تیم ملی ایران بر آمریکا در جام جهانی ۱۹۹۸ در آن زمان کمتر از برد سیاسی یا نظامی برای ایران نبود. برد کامرون در مقابل تیم قوی آرژانتین علی‌رغم ۹ نفره شدن آن‌ها و رسیدن به یک‌چهارم نهایی و یا پیروزی آرژانتین و سنگال در مقابل فرانسه موجب احیای غرور ملی این کشورها و تحقق نوعی همبستگی داخلی شد. در بعد دیگر ورزش نقش مهمی در برپا شدن ملت‌ها، دولت‌های ملی و هویت ملی دارد (Zargar, 2015: 10). فوتبال با برانگیختن احساسات ناسیونالیستی ایجاد وحدت در فضاهای جغرافیایی با ابعاد محلی تا بین‌المللی نقش‌آفرین است. در بعد داخلی نیز فوتبال به‌عنوان محبوب‌ترین ورزش جهان، تأثیرات عمیقی بر مردم دارد. کشورها با بهره‌گیری از این محبوبیت عمومی و تبلیغات فراوان از این نیرو در همگرایی فضایی درون کشوری و شهری بهره فراوان می‌برند مثلاً بهره‌گیری دولت آرژانتین از جام جهانی ۱۹۸۷ که کوشید با برگزاری

¹ Clarke

باشکوه این جام و قهرمانی در آن، چهره مثبتی از نظام حاکم را عرضه کند که نوعی همگرایی ملی در سطح کشور را در پی داشت برگزاری جام جهانی ۲۰۲۲ در کشور کوچک قطر را نیز می‌توان از این نوع دانست. همچنین برگزاری جام جهانی فوتبال در آفریقای جنوبی در سال ۲۰۱۰ و حضور تیم ملی این کشور، مرکب از بازیکنان سیاه‌پوست و سفیدپوست موجب نمایاندن یکپارچگی داخلی در این کشور شد (Ahmadipour et al., 2012: 10) همچنین مسابقات جام جهانی فرصت مناسبی برای آشنایی مردم با رسوم، آداب و فرهنگ سایر کشورها و کشور میزبان هست.

کشورهای میزبان تلاش می‌کنند از این فرصت برای ایجاد تصویر ملی مثبت برای مخاطبان داخلی و خارجی استفاده کنند. این تصاویر می‌تواند معانی و مفاهیم مرتبط به آنچه یک ملت در آن مشترک است را به نمایش بگذارد. به همین دلیل است که میزبانی رویدادهای بزرگ جهانی همچون جام جهانی فوتبال با استراتژی قدرت نرم مرتبط است. با این وجود در سال‌های اخیر سازمان‌های غیردولتی غربی به بررسی رویدادهای حکمرانی، دموکراسی، حقوق بشر و آزادی در کشور میزبان می‌پردازند. معمولاً اصلاحات سیاسی و پاسخگویی را از نخبگان سیاسی و مقامات عمومی کشور میزبان می‌خواهند. در مقابل نیروی همگرایی فوتبال، موضوعاتی چون تیم ملی کشورها در بعد بین‌المللی و وضعیت تیم‌های باشگاهی در وضعیت ملی و فرو ملی می‌تواند در ایجاد نیروهای واگرا مؤثر واقع شود و فضایی دوقطبی و چندقطبی را حاصل کند. همانند تیم‌های پیروزی و استقلال در ایران و یا تأثیر جریان‌های سیاسی واگرا بر تیم تراکتورسازی تبریز، این تقسیمات فضایی و نیروهای واگرایی را می‌توان در اغتشاشات طرفداران در حین و پس از بازی‌ها به‌خوبی مشاهده نمود. امروزه دیگر مرزهای فوتبال در داخل مستطیل سبز نمی‌گنجد و بسیاری از باشگاه‌های فوتبال جهان از دل تضادهای هویتی، طبقاتی، منطقه‌ای، مذهبی و زبانی برآمده‌اند. به‌عنوان مثال نارضایتی مردم فرانسه از اینکه بیشتر بازیکنان تیم ملی‌شان مهاجر هستند و یا نارضایتی آلمان‌ها از اینکه هافبک آن‌ها یک مهاجر ترک است (Bahrami, 2019).

ژئوپلیتیک و جام جهانی: افلاطون در کتاب جمهوری در طرحی که برای مدینه خود ترسیم می‌کند در کنار تعلیم و تربیت روحی خواستار تعلیم و تربیت جسمی صحیح می‌گردد؛ که

شامل بهره‌برداری از ورزش و غذای سالم است. او این امر را در نهایت باعث شجاعت و تقویت پاسداران و حافظان کشور و در نتیجه افزایش توان و قدرت ملی می‌داند. (Plato, III, quoted by Malkutian, 1999: 302 & Republic, Books II). به موازات ساختار ژئوپلیتیک جهانی، ساختار جهانی جام جهانی فوتبال قرار دارد که کارکرد آن در تمام عرصه‌های جغرافیایی جهان اعمال می‌شود. در هم تنیدگی ساختار جام جهانی با مفاهیم قدرت، رقابت، جغرافیای مکانی در بیشتر کشورهای متقاضی، شرکت‌کننده و میزبان و نظام‌های ژئوپلیتیکی حاکم بر جهان نشان از واکاوی مسابقات جام جهانی فوتبال در مباحث ژئوپلیتیکی دارد. در دهه‌های اخیر در رشته جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک، ژئوپلیتیک انتقادی از این مفهوم برای تحلیل مسائل حاکم بر جهان استفاده زیادی نموده‌اند در واقع بازنمایی‌های جغرافیایی در قالب مسابقات ورزشی برای آگاهی مردم از وضعیت جهان کمک کرده است (Nasiri, 2014: 15). ژئوپلیتیک ورزش از طیف گسترده‌ای از کارکردهای سیاسی و اجتماعی متفاوتی برخوردار است (Hafeznia, 2017: 181) به نحوی که پنج حلقه بازی‌های المپیک نماد همبستگی پنج قاره جهان نام‌گرفته است (Malkutian, 1999: 4).

ورزش در سطح بین‌المللی بیشتر یک رقابت مسالمت‌آمیز است و در سطح بین‌المللی در تقویت همبستگی ملی در داخل کشور مؤثر است. از طرفی وقتی یک بازی برای میلیاردها نفر اهمیت پیدا می‌کند دیگر نباید فقط یک بازی تلقی شود. فوتبال هیچ‌وقت فقط فوتبال نیست. این ورزش جنگ به وجود می‌آورد، انقلاب می‌کند و مورد توجه مافیایها و دیکتاتورها است (Nasiri, 2014: 15). جدای از اینکه مسائل ژئوپلیتیک و فوتبال چه ارتباطی باهم دارند باید پذیریم که هر دو چنان درهم آمیخته شده‌اند که تفکیک آنها از یکدیگر به آسانی میسر نیست (al., 2012: 2 Ahmadipour et). به موازات مسیر تکامل حکومت‌ها در طول تاریخ، کنش‌های ژئوپلیتیکی دولت‌ها دچار دگرگونی‌های فراوانی شده است. در دنیای جدید، ژئوپلیتیک به مسابقات ورزشی و به‌ویژه فوتبال توجه دارد (همان). در خلال جنگ سرد، فوتبال نمادی از تقابل رقابت شرق و غرب بود. کشورهای بلوک شرق تلاش می‌کردند ساختار منظم و گروهی جامعه خود را در بازی فوتبال به نمایش بگذارند. برای آنها فوتبال نه یک مسابقه بلکه مبارزه و عرصه‌ای برای ارائه حقایق، عقاید فلسفی و سیاستشان بود. پیروزی شوروی در جام جهانی

۱۹۵۸ مقابل انگلستان و پیروزی‌های تیم کره شمالی در جام جهانی ۱۹۶۶ که به طوفان زرد مشهور شد و نبرد ۱-۰ آن مقابل ایتالیا را می‌توان در این راستا یادکرد. در جام جهانی ۱۹۵۴ عرصه قدرت آلمان‌ها ۹ سال پس از پایان جنگ بود. آلمان‌ها در قالب تیم ملی خود روحیه مبارزه و خستگی‌ناپذیری خود را به نمایش گذاشتند و قهرمان جام جهانی شدند. این پیروزی موجب احیای غرور ملی آلمان‌ها و نمادی از خیزش دوباره ملت شکست‌خورده در جنگ شده بود.

رقابت‌های ژئوپلیتیکی در جام جهانی بهترین شکل در سال ۱۹۷۴ نمایان بود هم‌زمان با تقابل شرق و غرب، آلمان شرقی و غربی روبروی هم قرار گرفتند. برگزاری جام جهانی ۱۹۹۰ در ایتالیا و قهرمانی آلمان غربی هم‌زمان با فروپاشی دیوار برلین و فروپاشی شوروی را می‌توان در این دسته جای داد. همچنین فوتبال می‌تواند در کاهش احساس انزوای ژئوپلیتیکی کشورها مؤثر واقع شود. به‌عنوان مثال در جام جهانی ۱۹۶۶ با درخشش تیم ملی کره شمالی به‌عنوان یک کشور قدرتمند کمونیستی مطرح گردید و این امر موجب خنثی شدن بخشی از تبلیغات کشورهای غربی در به تصویر کشیدن وضع منزوی و منفی این کشور در جهان گردید. همچنین دیدارهای دوستانه بین آلمان شرقی و غربی سابق، ایالات متحده و کوبا، ایالات متحده و ایران را می‌توان در راستای کاهش احساسی انزوای این کشورها مورد بررسی قرارداد. بازی «مورالس» رئیس‌جمهور بولیوی در بازی‌های محلی و دوستانه با رئیس‌جمهور ایران، «احمدی‌نژاد» از این نوع می‌باشد. همچنین هولی هان (۱۳۸۵) بیان می‌کند یکی از انگیزه‌های دولت‌ها در حمایت از مسابقات ورزشی از جمله فوتبال و جام جهانی کسب اعتبار و حیثیت بین‌المللی در پی پیروزی‌های ملی‌شان هست از این منظر می‌توان هزینه و تلاش کشورهای بلوک شرق را در خلال جنگ سرد یادکرد (Zargar, 2015: 5). ورزش همچنین نوعی تعلق و علاقه ژئوپلیتیکی^۱ کشورها می‌باشد. بدین منظور مسابقات فوتبال به‌ویژه جام جهانی را می‌توان در فهرست مکمل‌های فضایی / جغرافیایی کشورها دانست که با آن تلاش دارند نیازها و کاستی‌های خود در فضای بین‌المللی را تأمین کنند.

¹ Geopolitical Interest

از طرفی حضور کشورها در مسابقات جام جهانی فوتبال کسب پیروزی در این مسابقات ابزاری برای ارتقای منزلت کشور است که تحت عنوان حضور مبتکرانه در فضاهای فراملی و بهسازی موقعیت الگویی برای کشور یاد می‌شود. گره‌ارت معتقد است فوتبال عرصه‌ای را مهیا می‌کند که در آن کشورهای کوچک و ضعیف‌تر در زمین‌بازی در مقابل کشورهای قوی قرار گیرند و اگر شکست آن‌ها در عرصه‌های دیگر میسر نیست، آن‌ها را در میدان فوتبال شکست دهند. به قول «روژه میلا» بازیکن تیم ملی کامرون، از موهبت فوتبال است که یک کشور کوچک (مانند کامرون، اروگوئه، عراق و ...) می‌تواند بزرگ شود (Zargar, 2015: 9).

جدول شماره ۲: همپوشانی مفاهیم ژئوپلیتیک و جام جهانی فوتبال

حوزه فوتبال (جام جهانی)	حوزه ژئوپلیتیک
جام جهانی	نظام ژئوپلیتیک جهانی
فیفا	سازمان ملل
بازیکنان فوتبال	بازیگران ژئوپلیتیک
تیم ملی	کشور
میزبانی	ارتقاء وزن ژئوپلیتیکی
مسابقه	رقابت ژئوپلیتیکی
گروه	منطقه ژئوپلیتیکی
رقابت برای میزبانی	رقابت ژئوپلیتیکی
قدرت	قدرت
جهانی	جهانی
استادیوم	فضای جغرافیایی
تاکتیک تیمی	استراتژی ژئوپلیتیکی
زمین فوتبال	فضای رقابت ژئوپلیتیکی

Source: Authors, 2021

مسابقات جام جهانی می‌تواند جزو نیروها و عوامل مثبت یک کشور در افزایش «وزن ژئوپلیتیکی»^۱ خود شود. این مسأله در مورد میزبانی و قهرمانی جام جهانی از اهمیت بیشتری برخوردار هست. کشور میزبان می‌تواند از فرصت پیش رو در ابعاد مختلف بهره‌برداری فراوانی کند. جام جهانی از پول‌سازترین پدیده‌ها در جهان است و مفهوم «تجارت جهانی

¹ Geopolitical Weight

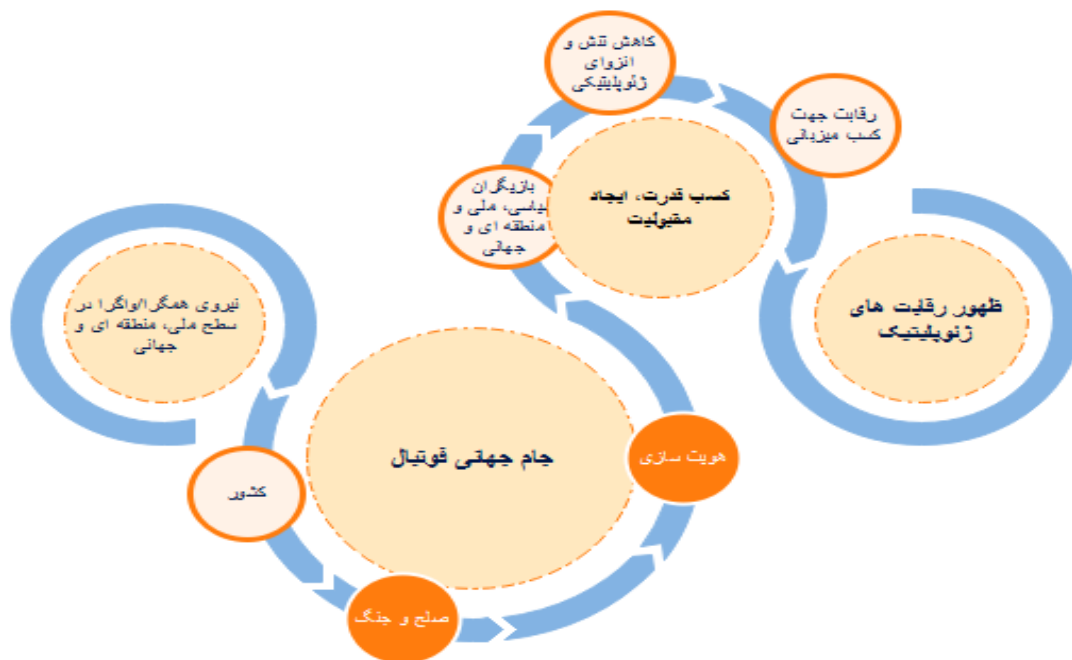
فوتبال» نیز در این مقوله می‌گنجد. به‌عنوان مثال جام جهانی ۲۰۰۹ در برزیل باعث شد نرخ رشد اقتصادی از ۲- به ۷+ درصد برسد. این امر همچنین در کاهش نرخ بیکاری، افزایش گردشگری، تبلیغات و اشتغال مؤثر بود. همچنین جام جهانی آفریقای جنوبی باعث افزایش ۲۵ درصدی گردشگران در سال‌های بعد به این کشور شد. از طرفی میزبانی جام جهانی فرصت مناسبی برای کشورهای میزبان فراهم می‌کند تا در طول مسابقات میزبان تماشاگران باشند. در مقابل این تجارت سباتین ریچ (۲۰۱۸) عنوان کرده است از نظر مجمع جهانی اقتصاد میزبانی جام جهانی همیشه منطق اقتصادی ندارد زیرا هزینه‌های مرتبط با آن اغلب بیشتر از سود است. **رقابت‌های ژئوپلیتیکی:** حوزه رقابت‌های ورزشی بستر مناسبی برای رقابت‌های ژئوپلیتیکی است (Ahmadipour et al., 2012: 1). میدان رقابت‌های ورزشی بین‌المللی به لحاظ همپوشانی در مفاهیم قدرت، رقابت و ارزش‌های ملی با حوزه رقابت‌های ژئوپلیتیکی، عرصه جنگ نمادین کشورها و ملت‌ها است. رقابت‌های ورزش بین‌المللی، فضای نمادین رقابت ژئوپلیتیکی کشورها و تیم ملی نماد کشور است جایی که «استراتژی ژئوپلیتیکی» دولت‌ها و ملت‌ها به نمایش درمی‌آید. میدان فوتبال محل تبلور و تجلی تمایلات سیاسی قدرت‌ها و بازیگران سیاسی در ابعاد محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی است که با ملموس‌ترین شیوه ممکن رقابت ژئوپلیتیکی خود را در قالب یک بازی فوتبال در زمین چمن به نمایش می‌گذارند به عبارت دیگر زمین فوتبال فضای رقابت ژئوپلیتیکی نمادین و هویت‌ساز است. برای مثال رقابت تیم‌های ملی مصر و الجزایر در بازی‌های مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۰ پس از رقابت هیدروپلیتیک مصر و سودان در موضوع استفاده از رود نیل منجر به این امر شد که در این مسابقه سودانی‌ها از تیم ملی الجزایر حمایت کنند. همچنین رقابت روسیه و انگلستان برای کسب میزبانی جام جهانی ۲۰۱۸ یادآور رقابت‌های ژئوپلیتیکی این دو کشور به‌عنوان بازی جنگ بود (Ahmadipour et al., 2012: 11).

نتیجه‌گیری

در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش باید گفت که عنصر نهفته در تیم‌های فوتبال در مسابقات جام جهانی، کشور است و جام جهانی نمونه کوچک‌شده نظام جهانی و یا نقشه سیاسی کشورها

است. لذا عنصر نهفته در رقابت‌های جام جهانی، کنش و واکنش متقابل در ابعاد فرو ملی تا جهانی است. جام جهانی فوتبال با مفاهیم سیاست، قدرت، رقابت، فضا و کشور به هم گره خورده است، این رابطه می‌تواند برای فوتبال و کشورها تأثیرات متقابلی داشته باشد. همپوشانی و اشتراک مفاهیم فوتبال در مسابقات جام جهانی با جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک در ابعاد: جغرافیا، سیاست، قدرت و رقابت، فضایی مناسب جهت هویت‌سازی، مبارزات، ایجاد نیروهای همگرا و واگرا، علایق و نگرانی‌های ژئوپلیتیکی و کمک به کاهش انزوای ژئوپلیتیکی در ابعاد جهانی، منطقه‌ای، ملی و فرد ملی برای کشورها هست.

نمودار شماره ۴: مدل مفهومی مفاهیم جغرافیای سیاسی در مسابقات جام جهانی فوتبال



Source: Authors, 2021

رقابت کشورها برای کسب میزبانی و پیروزی در این مسابقات ضمن ایجاد فضای رقابتی و تلاش برای بهره‌مندی از مزایای اقتصادی و فرهنگی و سیاسی، نمادی از رقابت کشورها، مکاتب و بازیگران سیاسی در فضای جغرافیایی است. رابطه بازیگران سیاسی کشورها در جام جهانی دارای ابعاد زیادی است. از یک طرف فوتبال‌بست‌ها با استفاده از محبوبیت و مقبولیتشان در راستای اهداف سیاسی موازی ملتشان اقدام می‌کنند و از طرفی کشورها تلاش می‌کنند

به‌گونه‌ای نیابتی و نمادین رقابت‌هایشان را در رقابت‌های فوتبال پیگیری نمایند. همچنین کشورها مناقشات و درگیری‌های خود را در جهت دور ماندن از اذهان دیگر کشورها و ملت‌ها هم‌زمان با برگزاری این مسابقات پیگیری می‌نمایند موضوعات جام جنگ، جنگ فوتبال، رقابت و مبارزه در این رابطه می‌باشد. از طرفی فوتبال ابزاری برای برقراری صلح در ابعاد ملی و بین‌المللی نیز هست و سیاست‌مداران و بازیکنان تلاش در به‌کارگیری مسابقات، تماشاچیان و ... فوتبال در راستای کاهش تنش‌های سیاسی ملی و فراملی می‌کنند. گسترش و پیاده‌سازی فرهنگ کشورها در بازی‌های جام جهانی هم‌زمان با افزایش گردشگری نمونه‌ای از تأثیرات متقابل جام جهانی و هویت کشورهاست. جام جهانی فوتبال توانایی تشکیل، کاهش و یا افزایش نیروهای همگرا را در ابعاد محلی، ملی و فراملی، بین‌المللی دارد. جام جهانی از یک طرف عامل افزایش نیروی همگرا در سطح ملی و وحدت ملی است و از طرفی نمادی از وجود نیروهای واگرا در سطح جهان می‌باشد. جام جهانی فوتبال با نقش‌های متفاوتی، بستر مناسبی برای کاهش انزوا و تعدیل رقابت‌های ژئوپلیتیکی در سطح جهانی می‌باشد.

کتابنامه

1. Ahmadipour, Z., Junidi, R., Boyeh, Ch & Hosseini, S.S., (2012). Symbolic war in the field of values, geopolitical competitions and international sports competitions. *Journal of Applied Research in Geographical Sciences*, 12(27), 1-48. [In Persian]
2. Andrews, G., (2017). From Post-Game to Play-by-Play: Animating Sports Movement-Space. *Progress in Human Geography*, 41(6), 766-794. Doi:10.1177/0309132516660207.
3. Bahrami, P & Asadzadeh, M., (2019). Dribble documentary. [In Persian]
4. Bailey, K., Oliver, R., Gaffney, C & Kolivras, K., (2016). Negotiating "New" Narratives Rio De Janeiro and the "Media Geography of the 2014 FIFA World Cup. *Journal of Sport and Social Issues*, 41(1), 93. Doi:10.1177/0193723516680159.
5. Collison, H., Darnell, S., Giulianotti, R & Howe, P.D., (2017). The Inclusion Conundrum: A Critical account of Youth and Gender Issues within and beyond Sport for Development and Peace Interventions. *Social Inclusion*, 5(2), 223-231. Doi:10.17645/si.v5i2.888.

6. Cook ,S., Shaw, J & ,Simpson, P., (2016). Geography: Exploring Meanings, Experiences and Spatialities of Recreational Road-Running . *Mobilities*. 11(5), 744-769. Doi:10.1080/17450101.2015.1034455.
7. Hafez Nia, M.R., (2002). *Political Geography of Iran* .Tehran: Side Publications. [In Persian]
8. Hafez Nia, M.R., (2017). Principles and Concepts of Geopolitics. Mashhad: Papli Publications. [In Persian]
9. Harris ,J & ,Wise ,N., (2011). Geographies of Scale in International Rugby Union – The Case of Argentina .*Geographical Research*, 49(4),375-383. Doi:10.1111/j.1745-5871.2011.00714.x .
10. Kohe ,G.Z) .(٢٠١٥) ,.Dis)Located Olympic Patriots: Sporting Connections, Administrative Communications and Imperial Ether in Interwar New Zealand .*Sport in Society*.18(7), 800-815. Doi:10.1080/17430437.2014.990686.
11. Liston ,K & ,Maguire ,J., (2016). Sport ,Empire, and Diplomacy: “Ireland” at the 1930 British Empire Games .*Diplomacy & Statecraft*, 27(2),314-339.Doi:10.1080/09592296.2016.1169797.
12. Malkutian, M., (2008). Sports and Politics, Policy Quarterly of the Faculty of Law and Political Sciences, 39(2), 301-316.[In Persian]
13. Marinău M., Pețan P., Măduța F & ,Maroti S., (2016) .(FIFA World Cup. An analysis from the sport`s history and geography perspective .*GeoSport for Society*, 5(2), 79-87.
14. Nasiri, K., (2014). *Explaining the role and place of sports in recreating identity with an emphasis on football (case study, Tabriz Tractor Club and the identity of its fans* .(Master's Thesis, Faculty of Geography, University of Tehran, under the guidance of Fard, Zahra. [In Persian]
15. Pamment ,J,. (2016). Rethinking Diplomatic and Development Outcomes through Sport: Toward a Participatory Paradigm of Multi-Stakeholder Diplomacy .*Diplomacy & Statecraft*, 27(2), 250-231. Doi:10.1080/09592296.2016.1169787 .
16. Postlethwaite ,V & ,Grix ,J., (2016) .(Beyond the Acronyms: Sport Diplomacy and the Classification of the International Olympic Committee . *Diplomacy & Statecraft*, 27(2), 295-313. .٢١٢-٢٩٥ :(٢) ٢٧ , Doi:10.1080/09592296.2016.1169796.
17. Rowe ,D,(2017). The AFC Asian Cup :Continental Competition, Global Disposition. In Wenner, L.A & ,Billings ,A. C) .Ed .(.*Sport, Media & Mega-Events* .London :Routledge .
18. Shears ,A & ,Fekete ,E., (2014). *Re-Constructing the Map: NBC's Geographic Imagination and the Opening Ceremony for the 2012 London Olympics* .Sociological Research Online 19 Doi:10.5153/sro.3249.
19. Shekoui, H., (1999). *New Thoughts in the Philosophy of Geography* . Tehran: Gitashanasi Publications. [In Persian]

20. Shobe ,H.,(2008). Football and the Politics of Place: Football Club Barcelona and Catalonia, 1975–2005 .*Journal of Cultural Geography*, 25(1), 87-105 .Doi:10.1080/08873630701822661
21. Spaaij ,R., Magee, J & Jeanes, R., (2014). *Sport and Social Exclusion in Global Society* .London :Routledge.
22. Waite ,C.A & ,Smith ,D.P. (2017).(Temporary Skilled International Migration of Young Professional Cricketers‘ :Going down-Under’ to Move-Up the Career Path .*Geoforum*. 84, 70-74. Doi:10.1016/j.geoforum.2017.06.004.
23. Wise ,N.,(2011). Transcending Imaginations through Football Participation and Narratives of the Other: Haitian National Identity in the Dominican Republic .*Journal of Sport & Tourism*, 16(3), 259-275.Doi:10.1080/14775085.2011.635011.
24. Zargar, A.,. (2015).Sports and International Relations .*Conceptual and Theoretical Aspects of Political Science Quarterly*,11(3), 7-48. [In Persian]

